

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۲۳ جنوری ۲۰۱۹

## مضحکہ انتخابات و به اصطلاح "احزاب سیاسی"

۲

**درآمد:** وقتی در طی مقاله این و یا آن نهاد را "حزب"، "جبهه"، "شورا" و یا "جمعیت" می نامیم به هیچ وجه بدان معنا نیست که ما آن نهاد را به همان هویتی که مسما است می شناسیم، بلکه غرض تسهیل در شناخت آنها از اسم رسمی آنها یاد می نمایم، ورنه کاملاً روشن است که آن تشکلات باند های مافیائی هستند که هیچ نوع سنخیت و تشابهی با آنچه یک حزب می باید داشته باشد، ندارند.

### حزب اسلامی "گلبدین" و مضحکہ انتخابات:

با شناختی که از "گلبدین" و باندش وجود دارد، می توان به جرأت ادعا نمود که وی آنقدر احمق نیست تا علی رغم ناکامی افتضاح آمیز تمام کاندید های نزدیک به وی، باز هم بیاید و خود را کاندید نموده به نوشته همکار عزیز ما آقای "عمرقریشی"، با "کون لچ نیزه بازی" را شروع نماید. بناءً نوشته می توانیم که ورود وی در عرصه به اصطلاح انتخابات انگیزه ها و دلایلی دیگری به غیر از یک شرکت عادی دارد. به نظر من آنهایی که تا حال "گلبدین" را اعاشه و حفظ نموده اند، آگاهانه و با درک دقیق وضعیت نفرت انگیز "گلبدین" وی را وارد میدان نموده اند تا:

۱- نه تنها "گلبدین" بلکه افراد و نهاد های دیگری از سنخ "گلبدین" که از آبشخور امپریالیزم ارتزاق می نمایند، این امکان را نیابند تا در پیشگاه مردم و در پیشگاه تاریخ، با عدم شرکت شان قانونیت و مشروعیت مضحکہ انتخابات را زیر سؤال ببرند. در واقع همان طوری که واقعیت دارد، شرکت در مضحکہ انتخابات در هر سطح و زیر هر عنوانی، به معنای به رسمیت شناختن حاکمیت برخاسته از اشغال و اداره مستعمراتی کابل را یک "دولت قانونی و مشروع" دانستن می باشد. اشغالگران می خواهند با وارد کردن طیف های وسیعی از انسان های میهنفروش و خاین به کشور و قاتل خلق افغانستان، مشروعیت دولت دست نشانده و یک اداره پوشالی را در کثرت کاندید ها اعلام بدارند. و برای تحقق چنین هدفی چه کسی می تواند بهتر از "گلبدین" که به اصطلاح ناقص را با جنگ و خونریزی بریده اند، باشد.

۲- دومین عاملی که امپریالیزم و ارتجاع "گلبدین" را وادار ساخته اند تا خود را کاندید نماید، استفاده ابزاری از وی به مثابه یک سگ جنگی، در پروسه مضحکہ انتخابات می باشد. یعنی "گلبدین" را امپریالیزم و ارتجاع منطقه کاندید نموده اند تا به مانند یک توپخانه غیر مسؤول و غیر قابل کنترل، به هر سمتی که آنها اشاره نمایند به مانند دهه ۹۰ و

فیر راکت ها کور، حملات خود را انجام داده هر چه از دهنش بیرون شد بر زبان بیاورد. کاری که تجربه ثابت نموده، "گلبدین در انجامش خیلی توانا می باشد. آینده این پیش بینی را ثابت خواهد ساخت که گماردن "گلبدین" به این وظیفه از جانب امپریالیزم و ارتجاع بیشتر به منظور حمایت از "غنی احمدزی" با دامن زدن به تعصبات قومی، مذهبی و زبانی، سه نفر را بیشتر نشانه گرفته آماج حمله قرار خواهد داد، "عبدالله"، "اتمر" و "ولی مسعود".

۳- دلیل دیگری که می تواند باعث شده باشد تا "گلبدین" وارد صحنه بگردد، باز هم فشار امپریالیزم و ارتجاع بر وی است تا او را به خودش بشناسانند و به وی بفهمانند که چه جایگاهی در بین مردم دارد. امپریالیزم و ارتجاع که از ۵ دهه به صد ها میلیون دالر خرج نموده اند تا وی را بر گرده مردم افغانستان سوار نمایند و این را هم می دانند که در بین نوکران شان شاید در جنایت و خیانت توانمند ترین همه باشد، می خواهند به وی بفهمانند که اگر می خواهد از ضرب المثل "سگ سور از گله دور" نجات بیابد باید وفاداری و خدماتش را به امپریالیزم افزایش دهد.

### **"جنبش ملی اسلامی" - دوستم - و مضحکه انتخابات:**

به ارتباط نقش "جنبش" در مضحکه انتخابات چند نکته حایز اهمیت است:

۱- علی رغم تمام تخریباتی که از جانب "غنی"، "ستانکزی" و "اتمر" در جریان ۵ سال علیه جنبش و شخص "دوستم" صورت گرفت و با وجود اتهام جنایات بشری و تجاوز بالای "ایشچی" و با آن که در جریان سال گذشته قادر شدند به وسیله چن تن از افراد جنبش و نشانند آنها در کنار "ایشچی" و اعلام انشعاب رسمی از دارو دسته "دوستم"، این که فعلاً آنها در این مضحکه وجود ندارند و هیچ یک از آنها جرأت نموده تا خود را در کنار و یا آن کاندید نماید، نمایانگر دوام اتوریته جبارانه "دوستم" بر قوم و تبار خودشان می باشد.

۲- رفتن "دوستم" به سمت "عبدالله" و "خلیلی" یعنی دو فردی که در تمام توطئه علیه وی در کنار "غنی احمدزی" قرار داشتند و بریدن از "عطاء" و "محقق" که در روز های بد و دشوار در کنارش ایستادند، اگر ناشی و برخاسته از فشار "غنی" و دوسیه "ایشچی" و در تفاهم با دو فرد اخیر الذکر نباشد، بیانگر آن است که باند "غنی احمدزی" در مبارزات شان علیه به اصطلاح "ائتلاف بزرگ ملی" دست آورد بس بزرگی داشته اند. چه در صورتی که آن ائتلاف از بین نمی رفت و قادر می شدند در کنار یک دیگر، فردی را از درون ائتلاف کاندید نمایند، مطمئناً می توانستند یکی از شانس داران پیروزی به شمار بروند.

۳- فعلاً اتحادی که بین "جمعیت اسلامی"، "حزب وحدت" و "جنبش" به وجود آمده و "دوستم" ضمن انصراف خودش از کاندید شدن، "عنایت الله بابر فرهمند" که نامش در بدنامی های "دوستم" کمتر ذکر شده است را در کنار "عبدالله" برای مقام معاونیت اول قرار داده است، اگر به سازش های غیر منتظره از جانب "عبدالله" نینجامد، می تواند به مثابه یک مرکز رأی عظیم و دست نخورده با وجود دست درازی های "غنی احمدزی" با وعده و وعید هائی که به خانم "ثریا دلیل" داده است، به شمار آید.

### **نوکران روس و مضحکه انتخابات:**

باند های خلق و پرچم که به خیانت اعتیاد پیدا نموده اند به دوام خیانت عظیم و فراموش ناشدنی آنها در ربع چهارم قرن گذشته، به همان سان که از آغاز اشغال افغانستان به وسیله امپریالیزم امریکا و شرکاء در کنار آنها قرار گرفته داروندار شان را تقدیم ارباب جدید نمودند، در این مقطع تاریخی نیز، بار دیگر هویت اصلی خاینانه شان را نشان داده با بیرون دادن ۳ کاندید، علاقه مندی شان را در نوکری به امپریالیزم و ارتجاع نمایان ساختند.

این باندها با آن که می دانند هیچ جایگاهی بین مردم افغانستان ندارند و به همین سان افراد مطلوب و مورد نظر امپریالیزم و ارتجاع نیز به شمار نمی روند خود را کاندید نموده اند تا اولاً فشقّه تازه نموده در عمل اعلام بدارند که می توانند "خر هر پالانی" بگردند و در ثانی، از طریق سازش های بعدی از خوان نعمت امپریالیزم چیزی هم به آنها برسد.

### ملاحظات:

۱- "جمعیت اسلامی و شورای نظار" و "حزب وحدت" و "جنبش" ثابت ساختند که علی رغم و شاید هم به یمن تمام خیانت ها، سرقت ها و چپاول ها، هنوز هم بین بخشی از مردم جای پای داشته، می توانند با تکیه بر رأی آنها در محاسبات سیاسی خود را داخل نمایند.

۲- "گلبدین" به مثابه منفور ترین چهره حتماً مقدمتر از "غنی احمدزی"، در موقعیتی قرار دارد که هیچ کسی پیدا نمی شود تا ننگ همکاری با وی را بپذیرد.

۳- قوم پشتون در کلیت آن، هرگاه ننگ قوم پشتون یعنی "گلبدین" را از آنها حذف نمایم که باید هم بکنیم، در مضحکه انتخابات به نحوی برخورد منفعلانه نموده، به جز تنی چند از تکنوکراتان بی میهن، هیچ یک از افراد نامداری که در گذشته ها به نمایندگی از قوم پشتون صحبت می نمودند، خود مستقیماً وارد صحنه نگریده اند. علت این برخورد منفعلانه هرچه باشد به هیچ صورت به معنای تبعیت از طالب و یا تکنوکراتهای میهنفروش نیست، بلکه عوامل آن را باید در جای و یا هم جای های دیگری جست و جو نمود، در هر صورت آنچه مسلم است به هر سمتی که این کتله خاموش و بدون نماینده روی بیاورد، حتماً برای امپریالیزم و ارتجاع نیز ساده نخواهد بود تا کاندید آنها را نادیده بگیرد.

۴- مسلم است که این مضحکه نیز سرانجام به مانند نمونه های قبل، نیاز به دخالت مستقیم امپریالیزم و ارتجاع یافته، بدون آن که رأی مردم نقش تعیین کننده ای در انتخاب فرد داشته باشد، فردی از جانب امپریالیزم به مقام "ریاست جمهوری" - بخوانید کارگزار امپریالیزم- در یک دولت دست نشانده و فاقد استقلال و صلاحیت های لازم، مقرر می گردد. ننگ و نفرین تاریخ و مردم برای کسانی باقی می ماند که با شرکت در این مضحکه، اداره مستعمراتی کابل را به رسمیت شناخته به تجاوز و اشغال کشور مشروعیت و قانونیت می بخشند.